

بمناسبت سالروز ده دسامبر روز جهانی حقوق بشر

در سومین سالگرد قتل های زنجیره ای

علیه تروریسم و برای معرفی و محاکمه آمرین ترورهای سیاسی در ایران!

هم میهنان آزاده!

سه سال از قتل داریوش و پروانه فروهر، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده گذشت. قتل این چهار تن، آن هم در فاصله زمانی کوتاهی که به قتل های زنجیره ای معروف گشت، نه اولین قتل های سیاسی در ایران بودند و نه آخرین آنها. اما در آن شرایط، بیانگر این واقعیت بودند که دست اندرکاران ترور و سرکوب در جمهوری اسلامی، با هدف معین سیاسی دست به تشدید ترورهای سیاسی زده اند. هدف این قتل ها فقط از میان برداشتن مخالفین سیاسی نبود، قبل از همه ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه و به شکست کشاندن جنبش رو به رشد مردم ایران بود. جنبشی که یک سال پیش از آن، با دخالت در انتخابات تحت کنترل حکومت، ارکان قدرت رژیم را به لرزه درآورده بودند. این قتل های پی در پی، تدبیر باندهای حاکم برای سد کردن راه مبارزات مردم از طریق تشدید حکومت رعب و وحشت بود. اما مقاومت در برابر این قتلها چنان گسترده بود، نفرت و انزجار از دست اندرکاران این جنایات چنان همگانی شده بود که آمرین قتلهای زنجیره ای برای نجات خود از مخمصه جدید، چاره ای جز قربانی کردن عاملین قتل های زنجیره ای نداشتند. برای اولین بار در تاریخ حکومت اسلامی، دولت رسماً اعتراف کرد که ترورهای سیاسی در قلب دستگاه امنیتی رژیم طراحی، سازماندهی و بوسیله مقامات ارشد وزارت اطلاعات به اجرا گذاشته شده اند. بعد از این اعترافات، و برای کتمان چهره کریه صادرکنندگان دستورات چنین قتل هائی، با از میان برداشتن سعید امامی سردسته عاملین این قتل ها، پرونده را در مسیری انداختند که:

اولاً هیچ کس نداند که آمرین چنین قتلهایی چه کسانی هستند و در چه موقعیتی در حکومت نشسته اند. ثانیاً افکار عمومی و خانواده قربانیان و وکلایشان هرچه بیشتر از دسترسی به واقعیت این قتل ها، بی خبر نگه داشته شوند.

ثالثاً پرونده ترورهای سیاسی فقط به همین چند قتل خلاصه شود، حتی قتل هائی که در تداوم قتل های زنجیره ای، صورت گرفته بود، مثل کشتن مجید شریف یا پیروز دوانی، علیرغم اعترافات قاتلین در پرده ابهام گذاشته شود. رابعاً هرگونه بحث درباره ترورهای سیاسی قبلی و بازگشت به پرونده آنها در نطفه خفه شود. امروز بعد از سه سال می توان نتیجه گرفت که در همه موارد فوق، آمرین ترورهای سیاسی نقشه های خود را عملی ساخته اند:

۱- بعد از کشتن سعید امامی، اعترافات او را، از معرض دید و آگاهی افکار عمومی دور ساخته اند و پرونده قتل های زنجیره ای را به یک پرونده جنایی معمولی تنزل داده، بعد از اجرای سناریوهای متفاوت برای به بن بست رساندن آن، دست آخر با تشکیل یک دادگاه در بسته، بدون حضور خانواده های قربانیان و وکلای آنها، طی یک محاکمه فرمایشی، سر و ته قضیه را هم آورده اند.

۲- با بستن روزنامه ها و زندان و مجازات روزنامه نگاران که تلاش نموده اند تا روزنه ای بر خانه اشباح پشت این ترورها بکشایند، منافذ اطلاع رسانی را در جامعه مسدود ساخته اند.

۳- به اشکال دیگری این ترورها را ادامه داده اند، که آشکارترین شکل آن، ترور جاریان مشاور رئیس جمهوری خود رژیم و تبرئه علنی عاملین این ترور بود.

هم میهنان مبارز!

تروریسم جمهوری اسلامی فقط به قتل های زنجیره ای ختم نمی شود. ترور سیاسی یکی از پایه های اصلی حکومت وحشت این رژیم علیه مردم ایران، از همان بدو موجودیت آن بوده و هست. محاکمات سرپائی، اعدام های دسته جمعی و دست آخر کشتار جمعی هزاران نفر زندانی سیاسی در عرض چند روز در شهریور ماه ۶۷، جلوه های بارز و مشخصه های حکومت اسلامی در ایران هستند.

بر هیچ کس پوشیده نیست که سران حکومت اسلامی، تاکنون هر کجا که توانسته اند مخالفین سیاسی خود را با توسل به ترور از پای درآورده اند. این امر محدود به داخل کشور نبوده است. در خارج از ایران، جوخه های ترور جمهوری اسلامی، سالهای متمادی ده ها ترور را سازمان داده و عملی ساخته اند. که ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو،

دکتر شاپور بختیار و دکتر صادق شرفکندی و ... از آن جمله بوده اند. احکام دادگاه برلین در مورد عاملین ترور دکتر صادق شرفکندی و همراهانش، سند تاریخی مهمی است که در آن، رهبران طراز اول حکومت اسلامی، به سازماندهی تروریسم دولتی متهم شده اند.

هم میهنان عزیز!

در شرایط کنونی و بعد از فاجعه ۱۱ سپتامبر در نیویورک، همه علیه تروریسم داد سخن می دهند، از پیوستن به جبهه ضد ترور دم می زنند، سازماندهندگان ترور و عاملین کشتار هزاران زندانی در کشور ما نیز، به این کر پیوسته اند. تردیدی نیست که محکومیت تروریسم، در پیشگاه افکار عمومی جهانیان پیشرفت مهمی است. که رژیم های تروریست هم چاره ای جز اعلام پیوستگی به آن نمی بینند. اما به هیچ وجه نباید و نمی توان برانگیختگی جهانی علیه تروریسم، مفری برای انسان باشد که در پشت پرده اعلام پیوستن به این کر جهانی، به توجیه اعمال تروریستی خود پرداخته و تحت پوشش جدید به اعمال ترور سیاسی در اشکال دیگر ادامه دهند. سران حکومت جمهوری اسلامی، ترور سیاسی مخالفین خود را متوقف نساخته اند، شکل آن را متناسب با شرایط عوض کرده اند. آنها امروز دیگر نیازی به سازماندهی مخفیانه اقداماتی مثل ترور برلین، وین، پاریس و یا قتل های زنجیره ای نمی بینند، با راه انداختن دستگاه ترور و سرکوب گسترده ای تحت عنوان "قوه قضائیه" که ارکان اصلی آن را بازجویان، شکنجه گران و حکام شرع کشتارهای سیاسی دسته جمعی دهه ۶۰ در زندانها، تشکیل می دهند، دور جدیدی از بازداشت، شکنجه و زندان و محاکمه را در کشور ما گشوده اند که هدف آن، سرکوب بیش از پیش آزادی ها و محو حقوق اولیه و انسانی آحاد مردم ایران است.

هم میهنان مبارز!

باید در مقابل تقلاهای سران جمهوری اسلامی برای حفظ حاکمیت سیاه خود با توسل به ترور و سرکوب و زندان ایستاد و با تشدید مبارزه، به حکومت وحشت در کشورمان پایان داد. ما خواستار آن هستیم که:

- ۱- زندانیان سیاسی بدون هیچ قید و شرطی آزاد گردند!
- ۲- حق حاکمیت مردم به رسمیت شناخته شده، حقوق اولیه انسانی آحاد مردم ایران تامین گردد.
- ۳- آزادی های بی قید و شرط سیاسی به رسمیت شناخته شود.
- ۴- یک هیات بین المللی برای تحقیق در مورد کشتار جمعی زندانیان سیاسی در شهریور ماه سال ۶۷، به ایران اعزام شود و نتایج تحقیقات خود را علنا منتشر کند.
- ۵- آمرین و عاملین قتل ها و ترورهای سیاسی و کشتار جمعی در زندانها، معرفی و در پیشگاه مردم محاکمه شوند.
- ۶- سران جمهوری اسلامی، به جرم اعماع سرکوب و ترور علیه مردم ایران، به اتهام جنایت علیه بشریت در مجامع بین المللی به محاکمه کشیده شوند.

کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی

۸ دسامبر ۲۰۰۱ - ۱۷ آذر ۱۳۸۰

متشکل از:

حزب دمکرات کردستان ایران
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)